

# **Grounded Theory Of Early Marriage For Girls In Poldakhtar City (Study Case: Zivodar Village)**

## **Vali Bahrami**

Lecturer of Sociology Department of Farhangian University (Corresponding author).  
Bahrami1171@gmail.com

## **Mostafa Haqi karam Allah**

PhD student in sociology of social issues at Shiraz University.  
haghi.mostafa64@gmail.com

## **Alireza Ghorbani**

Social Sciences Department, Payam Noor University, Tehran, Iran  
it\_ghorbani@yahoo.com

## **Abstract**

Early marriage of girls, especially in rural areas, not only causes harm and complications for the individual, but also has various consequences for the family and the rural community. The purpose of this research is to deeply study the phenomenon of early marriage of rural girls and to understand the causal conditions and its consequences. In terms of methodology, the current research is qualitative and based on Grounded theory, which theories were used to increase theoretical sensitivity. The studied population was married women of Puldekhtar villages. The sampling method was also "purposive and theoretical sampling". The tool of data collection was "in-depth interview", based on which theoretical saturation was achieved after interviewing 18 of these women. In order to analyze the data, the "Strauss and Corbin" approach was used. The findings show that the central phenomenon of this research is "early marriage as subjugation". The causal conditions governing this phenomenon include "gender collective unconscious and fear of absolute celibacy". Background conditions include "social supervision as a social blockage, marriage as a normative moral tour and fatalism" and the intervening conditions on the central phenomenon are: "competitive tendencies, inefficiency of university education, livelihood and calculation". The strategy in facing this phenomenon is "surrender and adaptation" and its consequence is "inhibition from education, dominance and violence, sexual exploitation and mental and motivational crisis".

**Keywords:** Early marriage, Subjugation, Gender Collective Unconscious, livelihood and Calculation.

# مطالعه داده بنیاد ازدواج زودهنگام دختران

## شهرستان پل دختر

(مورد مطالعه: روستای زیودار)

### ولی بهرامی

مدرس گروه جامعه شناسی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول). Bahrami1171@gmail.com

### مصطفی حقی کرم الله

دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسایل اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.  
haghi.mostafa64@gmail.com

### علیرضا قربانی

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. it\_ghorbani@yahoo.com

### چکیده

ازدواج زودهنگام دختران به ویژه در مناطق روستایی نه تنها آسیبها و عوارضی برای فرد به دنبال دارد، بلکه پیامدهای مختلفی را متوجه خانواده و جامعه روستایی می کند. هدف این پژوهش، مطالعه عمیق پدیده ازدواج زودهنگام دختران روستایی و درک شرایط علی و زمینه‌ای و پیامدهای آن است. پژوهش حاضر از حیث روش شناسی از نوع کیفی و مبتنی بر روش نظریه داده بنیاد است که از نظریه‌هایی برای افزایش حساسیت نظری استفاده شد. جمعیت مورد مطالعه زنان متأهل روستای زیودار شهرستان پل دختر بودند. روش نمونه‌گیری نیز به صورت «نمونه‌گیری هدفمند و نظری» بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها «مصاحبه عمیق» بود که بر این اساس بعد از مصاحبه با ۱۸ نفر، به منظور تحلیل داده‌ها از رویکرد «اشتروس و کوربین» استفاده شد... یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده محوری این پژوهش «ازدواج زودهنگام به مثابه انقیاد» است. شرایط علی حاکم بر این پدیده شامل «ناخودآگاه جمعی جنسیتی و دلهره از تجرد قطعی» هستند. شرایط زمینه‌ای شامل «نظارت اجتماعی به مثابه انسداد اجتماعی، ازدواج به منزله تور هنجاری اخلاقی و تقدیرگرایی» و شرایط مداخله‌گر بر پدیده محوری عبارتند از: «ایستارهای رقابت جویانه، ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی، معاش اندیشی و محاسبه‌گرایی». استراتژی در مواجهه با این پدیده، «تسلیم و سازگاری» و پیامد آن «بازدارندگی از تحصیل، سلطه و خشونت‌پذیری، بهره‌کشی جنسی و بحران روحی و انگیزشی» می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج زودهنگام، خانواده روستایی، زنان روستایی، انقیاد اجتماعی، تبعیض جنسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۵، اسفند ۱۴۰۱، صص ۴۷۳-۵۰۸

## مقدمه و بیان مسئله

ازدواج یک نوع امر اجتماعی است که در میان همه اعضای جامعه یا دست کم بیشتر آنان مشترک و عام است. مرحله تشکیل خانواده و ازدواج اولین و مهم‌ترین مرحله سیکل زندگی خانوادگی می‌باشد و موفقیت در مراحل بعدی زندگی وابسته به انتخاب صحیح در امر ازدواج است. خانواده مهم‌ترین و اولین نهاد اجتماعی است که برمبنای ازدواج پایه‌ریزی شده است. روابط و مناسبات امر ازدواج بیش از روابط و مناسبات ساده و محض است. اکنون ازدواج مجموعه متنوعی از عشق تا فرزند پروری و وظایف خانه‌داری را در برمی‌گیرد و با روابط و مناسباتی از قبیل؛ سیاست، اقتصاد، شغل و نابرابری ارتباط دارد (گیدنز<sup>۱</sup>، ۱۳۹۳: ۲۱۷). ازدواج امروز دیگر مانند گذشته در مناسبات ساده و معمولی گنجانده نمی‌شود و اکنون مسائل ژرف و پیچیده پیش‌روی زوج‌های جوان است. اگر امر ازدواج را یک امر به‌هنگار بدانیم، صور نابهنجاری دارد که یکی از صور نابهنجار آن ازدواج در سنین پایین است. مقوله ازدواج در سنین پایین که به‌عنوان «ازدواج کودکان» یا کودک همسری از آن یاد می‌شود، بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان<sup>۲</sup>، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده‌سالگی قرار دارد؛ ازدواج قبل از سن هجده‌سالگی، ازدواج زودهنگام گفته می‌شود، زیرا دختر قبل از هجده‌سالگی به لحاظ فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت ازدواج و بچه‌دار شدن را ندارد و برای پسر نیز، پذیرش مسئولیت زندگی و تأمین آن دشوار است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲). آمارها نشان می‌دهد که ۲۱ درصد زنان بین سنین ۲۰ تا ۲۴ سال، قبل از هجده‌سالگی زندگی زناشویی را شروع کرده‌اند. از این میان بیشترین میزان با ۳۵ تا ۴۰ درصد مربوط به کشورهای آفریقایی و کمترین میزان با ۷ درصد در کشورهای آسیای شرقی قرار دارند (UNICEF, 2018). از هر هفت‌دختر در کشورهای درحال توسعه یک نفر قبل از پانزده‌سالگی ازدواج کرده است. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای آسیای غربی نیز از این پدیده مستثنا نبوده است. نتایج آمارها در ایران نیز نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ هزار دختر در زمان ازدواج ۱۰ تا ۱۴ سال سن

1. Giddens

2. Convention of Rights of the Child

داشته‌اند (تنهایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹). همچنین بر اساس آخرین پیمایش ارزش ها و نگرش‌های ایرانیان، ۴۷ درصد پاسخگویان مناسب‌ترین سن برای ازدواج دختران را ۱۶ تا ۲۰ سال دانسته‌اند (جوادی یگانه، ۱۳۹۴: ۲۵۶) و در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، ۴/۹ تا ۵/۶ درصد (حدود ۴۰ هزار) از کل ازدواج‌های ثبت‌شده در کشور نیز در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله قرار دارد (معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی، ۱۳۹۷: ۱).

می‌توان گفت هرچند هر دو جنس در معرض ازدواج زود هنگام هستند، ولی دختران بیش‌ترین قربانیان این پدیده به شمار می‌روند. دختران بیشتر متحمل ازدواج‌های اجباری و تبعیض‌های جنسیتی می‌شوند. سالانه ۱۴ میلیون نوبالغ ۱۵ تا ۱۹ ساله زایمان می‌کنند و دختران زیر سن ۱۵ سال، ۵ برابر بیش از دختران در سن بیست‌سالگی دستخوش مرگ‌ومیر در طول بارداری یا زایمان می‌شوند. همچنین دختران زیر سن ۱۸ سال، ۶۰ درصد بیش از دختران بالای ۱۹ سالگی شاهد مرگ‌ومیر فرزندشان در یک سال اول زندگی‌شان هستند و حتی اگر شانس زنده ماندن داشته باشد، بیش‌تر در معرض بیماری‌های کم‌وزنی، کمبود مواد غذایی هستند و رشد جسمی و شناختی آنان دیرتر رخ می‌دهد (UNICEF, 2007: 14). فاصله سنی زیاد بین این دختران با شوهرانشان، سبب تحمیل کار خانگی و محدودیت‌های رسیدگی به کودک و فرصت‌های زندگی آنان می‌شود و همین امر قدرت و توان تصمیم‌گیری زنان در خانواده را کاهش می‌دهد (UNICEF, 2007: 22). از پیامدهای منفی دیگر چنین ازدواج‌هایی، عدم آمادگی زوج و یا یکی از آن‌ها برای تربیت فرزند است، البته اگر پیش از آن به طلاق منجر نشده باشد (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۱). افزایش کودک همسری یک مسئله بهداشت عمومی است و بر روی باروری، مرگ‌ومیر زنان و کودکان تأثیر می‌گذارد و ازدواج کودکان آن‌ها را در معرض خشونت شریک زندگی قرار می‌دهد (Radol kidman, 2016: 2) و می‌تواند در افزایش فشارهای روانی و اجتماعی روی نوجوانان افزایش استرس و خشونت جنسی نقش مهمی ایفا کند (Gage, 2009: 56). از طرف دیگر ازدواج کودکان با سن آموزش رسمی در مدارس تداخل دارد و دانش آموزان پس از ازدواج در بسیاری موارد مجبور به ترک تحصیل می‌شوند و یا در روند آموزش آن وقفه می‌افتد. پذیرش نقش و مسئولیت هم‌زمان با تحصیل در مدرسه موجب تعارض تضاد و چنگدگانی نقش در سنین نوجوانی که دوره بحرانی نیز هست؛ می‌گردد. چنانچه ازدواج کودکان در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حقوق بشر برای توسعه مناطق است.

شواهد حاکی از آن است دخترانی که به احتمال زیاد زود ازدواج می‌کنند، در خانواده‌های فقیر به سر می‌برند، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و از فرصت‌های محدود برای آموزش برخوردارند و در نیروی کار مشارکت دارند (Parsons et al., 2015: 15). این امر در بین دختران روستایی شهرستان پل‌دختر استان لرستان نیز مشهود است. آمارها نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج‌های ثبت‌شده بار اول زنان در شهرستان پل‌دختر برابر ۲۳،۶۶ سال است (سالنامه آماری ثبت‌احوال لرستان، ۱۳۹۵). همچنین ۳۱ درصد از تعداد ازدواج‌های رخ داده برحسب سن زن در زمان ازدواج در محدوده سنی ۱۰ تا ۱۹ سال است (سالنامه آماری ثبت‌احوال لرستان، ۱۳۹۹) است. مسئله معرفی نکردن پدیده ازدواج زودهنگام در کارگاه‌های طرح ملی گفتگو در بین خانواده‌های پل‌دختری (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که ابعاد این پدیده مغفول مانده و نیاز به مطالعه عمیقی دارد. همچنین بی‌توجهی نسبت به مسائل و نیازهای دختران پل‌دختری موجب افزایش میزان خشونت علیه آنان و روند رو به رشد نرخ خودکشی در بین آنان شده است (بهرامی، ۱۳۹۷: ۸۶). تجربه زیسته نگارندگان که فهم درون بافتی از روستای مورد مطالعه دارند، نشان می‌دهد که آداب و رسوم و فضای فرهنگی و اجتماعی مشوق و همسو با پدیده ازدواج زودهنگام به صورت نیرومند در جامعه وجود دارد. همچنین طبق آمارها کمترین میانگین سن طلاق در بین زنان استان لرستان مربوط به شهرستان پل‌دختر (۲۳ سال) است (سالنامه آماری ثبت‌احوال لرستان، ۱۳۹۵) و ۱۹،۸۱ درصد از طلاق‌های رخ داده برحسب سن زن در زمان طلاق مربوط به سنین کمتر از ۱۹ سال است (سالنامه آماری ثبت‌احوال لرستان، ۱۳۹۹). مطلقه شدن این دختران در سن پایین، باعث تداوم و تشدید زنانه شدن فقر می‌شود، چراکه فقری که خود منجر به ازدواج می‌شود با طلاق کودک امتداد می‌یابد و حتی آن را تشدید می‌کند. مشاهدات و مصاحبه‌های اولیه نگارندگان نیز نشان می‌دهد که این دختران درک و فهم کافی از پدیده ازدواج ندارند؛ از این رو پژوهش حاضر با به‌کارگیری رویکرد تفسیری در پی بررسی پدیده ازدواج زودهنگام دختران روستای زیودار شهرستان پل‌دختر است. ضرورت این پژوهش از این جهت است که سعی دارد با بررسی این پدیده از طریق روش کیفی داده بنیاد به درک عمیق‌تری از این مسئله و نحوه مواجهه با آن بپردازد.

## ۱. هدف و سؤالات پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی درک دختران از پدیده ازدواج زودهنگام است. لذا،

پرسش‌های مورد نظر در این مطالعه عبارت‌اند از:

- ۱- شرایط علی و زمینه‌ای پدیده ازدواج زود هنگام دختران روستای زیودار شهرستان پل دختر کدام‌اند؟
- ۲- پدیده محوری در بروز پدیده ازدواج زود هنگام در این منطقه چیست؟
- ۳- پدیده محوری مستلزم چه شرایط مداخله‌گر و راهبردهای است و چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

فره‌مند و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «واکاوی تجارب زناشویی کودک همسری: درهم آمیختگی عاطفی- فکری و بی‌قدرتی» به بررسی تجارب زناشویی کودک همسری در زنان شهر سیرجان کرمان پرداخته‌اند. روش پژوهش نظریه داده بنیاد و شیوه نمونه‌گیری هدفمند و ابزار مورد استفاده مصاحبه عمیق است. یافته‌های پژوهش که حاصل از استخراج مصاحبه‌هاست؛ شامل شرایط علی (کلیشه‌های جنسیتی، عدم گزینش همسر، عدم آگاهی)؛ شرایط زمینه‌ای (عدم آگاهی جنسی، عاملیت منفعل) و شرایط مداخله‌ای (درهم آمیختگی عاطفی، ضعف نقش، تعامل تنش‌زا) است که مقوله بی‌قدرتی زناشویی به‌منزله پدیده اصلی ظهور یافت. نتایج نشان داد که ازدواج در سنین پایین، زنان را با بی‌قدرتی در زمینه فردی و تعاملی در روابط زناشویی روبه‌رو می‌کند. کنش آنان در مقابله با بی‌قدرتی به شکل پنهان‌کاری، طلاق، سازگاری و سکوت اجباری رخ می‌دهد. از پیامدهای آن نیز می‌توان به دل‌زدگی زناشویی، عدم رضایت از زندگی، سرخوردگی، انزوای اجتماعی و طلاق عاطفی اشاره کرد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج زود هنگام: یک مطالعه کیفی نظام‌مند» با رویکرد کیفی از نوع گراندد تئوری، چهار مفهوم اصلی بیانگر تعارض را شامل مفاهیم اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و شخصیتی توصیف کرده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که عوامل و زمینه‌هایی چون سن نامناسب، ازدواج از روی اجبار، عدم درک نقش زن و مرد، تفاوت شخصیتی و فرهنگی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ناکارآمد، مسائل اقتصادی، دخالت اطرافیان، نبود شبکه حمایتی، انتظارات غیرواقعی از همسر، برآورده نشدن نیازها، سردرگمی هویت، هیجانات منفی و عدم ابراز هیجانات، الگوی ارتباط منفی والدین، آشفتگی خانوادگی، تفاوت فاحش زوجین (تحصیلی، ظاهری،

خانوادگی و شخصیتی)، دل‌بستگی نایمن و عدم انعطاف روان‌شناختی تعارض و طلاق را تسریع می‌کند.

نتایج پژوهش جوادپور (۱۳۹۶) درباره‌ی تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکار مقابله با آن نشان می‌دهد که مسائلی مانند فقر عوامل فرهنگی و اجتماعی حفظ آبرو و شرف خانوادگی زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید که با وجود ویژگی‌های بارز کودکی در رابطه زناشویی و عدم آموزش و آگاهی‌های اجتماعی لازم می‌تواند منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شود. از دیگر سو می‌تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به بیماری جسمی روحی و روانی افزایش حاملگی و زایمان زودرس شود. از این رو ارتقای آگاهی‌ها و پیش‌بینی تکالیف و تعیین مجازات‌های مناسب می‌تواند چنین پدیده‌های را محدود ساخته و امکان بروز چنین پیامدهای ناگواری را کاهش می‌دهد.

افتخارزاده (۱۳۹۴) به بررسی تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام می‌تواند یک عامل مثبت در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران باشد. ازدواج کودک از منظر روابط زناشویی می‌تواند یکی از مصادیق آزار جنسی کودکان نیز باشد. اکثریت زنان کودک همسر، کودک مادر هم هستند. ازدواج زودهنگام اغلب باعث استثمار کار زن از جمله کار خانگی، روستایی یا اشتغال خارج از منزل می‌شود. فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و ترس از بی‌آبرویی مهم‌ترین عوامل رخداد ازدواج زودهنگام در نمونه مورد مطالعه بوده است.

سادات و مینایی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر» (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران بیدگل)، با استفاده از تحلیل تماتیک و ابزار مصاحبه عمیق به پدیده نوجوان همسری پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که زنان در فرایند انتخاب همسرشان دخیل نبوده‌اند و به رشد کافی عقلی نرسیده بودند؛ ازدواجشان در حقیقت توافقی میان والدین دختر و پسر بوده است؛ بنابراین این دختران حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت‌های مربوط به آن نداشته‌اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و همچنین روابط شخصی نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر فرزندان و اطرافیان‌شان دچار مشکلات فراوانی شده‌اند. از سوی دیگر به دلیل عدم آموزش کافی در زمینه مسائل جنسی و بارداری در سنین پایین، متحمل مشکلات جسمی و روانی شده‌اند.

سیگل و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در تحقیق «تجربه ازدواج زود هنگام: رویکردهای زنان مسلمان و شاغل» به بررسی انگیزه‌ها و تجربیات ازدواج زود هنگام در بین ده نفر از زنان مسلمان پرداخته‌اند. روش تحقیق پدیدار شناسختی و با مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که دختران ازدواج زود هنگام را راهی برای دستیابی به آزادی، تجربه عشق در یک چارچوب فرهنگی قابل احترام، رهایی از فقر و مشکلات خانوادگی دانسته‌اند. در مقابل، روایت‌های زنان متأهل به مزایای محدود ازدواج زودرس، ایجاد مشکلات جدید و جدی و عدم رهایی از مشکلات قبلی، پشیمانی از عدم ادامه تحصیل، تنهایی شدید، کمبود پول است. انگیزه‌های مالی و اجتماعی ازدواج زود هنگام در میان دختران تصمیم آن‌ها را برای ازدواج نشان می‌دهد. این دختران قربانی منفعل عشق و جامعه نبودند و در مقابل تصمیم آن‌ها در گزینه محدود انجام شده است.

بورسو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در تحقیقی کیفی در مورد ازدواج زودرس زنان در منطقه آناتولی ترکیه عوامل فقر، پایین بودن سطح سواد والدین، بالا بودن تعداد زیاد فرزندان خانه پدری، تمایل به بچه‌دار شدن زن در فرهنگ منطقه را عوامل زمینه‌ساز ازدواج زود هنگام دختران و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فاکتورهای مهم کودک همسری در منطقه آناتولی دانسته‌اند.

گیج (۲۰۰۹) به عوارض ازدواج در سنین پایین پرداخته است. به زعم وی ازدواج در سنین پایین به افزایش فشارهای روانی و اجتماعی روی نوجوانان، افزایش استرس و خشونت جنسی منجر می‌شود. ازدواج در سنین پایین می‌تواند به دلیل عدم تکامل اندام‌های جنسی و عدم آشنایی با فعالیت‌های جنسی عوارض جنسی نیز داشته باشد. دگن<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) عواقب منفی ازدواج زود هنگام را اجتماعی، فیزیکی، فقر زنان جوان و فرزندان آن‌ها برمی‌شمارد. به‌طور متوسط دخترانی که به‌عنوان نوجوانان ازدواج می‌کنند تحصیلات پایین‌تری دارند، دارای موقعیت اجتماعی پایین‌تر در خانواده‌های شوهرانشان هستند، کنترل کمتری در باروری خود دارند. این ازدواج‌ها میزان مرگ‌ومیر مادران و خشونت‌های خانگی را نیز بالاتر می‌برد.

مرور نقادانه به تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد، هر چند این تحقیقات پدیده ازدواج زود هنگام را با روش کیفی مورد مطالعه قرار داده‌اند، اما بیشتر به پیامدهای

1. Segal et all

2. Burcu et all

3. Dagen



این مسئله پرداخته‌اند و کمتر شرایط علی و زمینه‌ای مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ بنابراین یکی از ابتکارات و نوآوری پژوهش حاضر در این است که مسئله ازدواج زودهنگام را با رویکرد کیفی داده بنیاد مورد مطالعه قرار می‌دهد و با این رویکرد ابعاد پنهان مسئله بهتر کشف و فهم عمیق‌تری حاصل می‌شود. همچنین استفاده از رویکرد استدلال استقفا‌ی در جهت فهم کنش کنشگران از طریق پارادایم بر ساخت اجتماعی در این مطالعه منجر به مفهوم‌سازی و خلق نظریه‌ره ارتباط با پدیده ازدواج زودهنگام می‌شود.

### ۳. ملاحظات نظری

ازدواج زودهنگام یک مسئله جهانی است و در بسیاری از نواحی دنیا رخ می‌دهد. سن اولین ازدواج با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و قومیتی هر جامعه شکل می‌گیرد (Liversage, 2012). در جوامع سنتی، کنترل رفتار جنسی دختران می‌تواند منجر به ازدواج زودرس و کودک همسری شود. در واقع، والدین از طریق ازدواج کودکان، سعی در تضمین امنیت جسمی و جنسی دخترانشان دارند. در جوامعی که کودک همسری شایع است، فشار اجتماعی موجود در آن‌ها عدم تطابق با آداب و رسوم را به شدت مذمت می‌کند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۴۵). نابرابری‌ها و تبعیض‌هایی که در خصوص جنسیت‌ها در این فرهنگ‌ها وجود دارد باعث محروم شدن دختران از حقوق‌شان می‌شود و در این شرایط آنان قادر نخواهند بود که در خصوص ازدواج و حقوق جنسی‌شان تصمیم‌گیری کنند. چنین نابرابری‌هایی می‌تواند به کودک همسری منجر شود.

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی باورها و اعتقادات نادرستی که در بعضی خانواده‌ها در خصوص جایگاه زنان وجود دارد، از همان کودکی می‌تواند در طرز نگرش افراد و ایجاد رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان تأثیرگذار باشد. دیدگاه نابرابری جنسی معتقد است، زنان از پایگاه اجتماعی پایین‌تر و منابع مادی و قدرت و فرصت کمتری نسبت به مردانی با همان موقعیت اجتماعی بر حسب طبقه، نژاد، شغل، قومیت، مذهب، تحصیلات، ملیت و یا هر ترکیبی از این عوامل برای ابراز وجود برخوردارند. این نابرابری حاصل سازمان جامعه و نه تفاوت‌های بیولوژیک یا شخصیتی زن و مرد است. این دیدگاه مشخصه همه انسان‌ها را نیاز عمیق به آزادی، ابراز وجود و انعطاف‌پذیری بنیادی می‌داند که از زنان سلب شده است (ریترز، ۱۳۹۵: ۶۲۴).

بر اساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، فرد در روند جامعه‌پذیری با الگوها،

هنجارها و جهت‌گیری‌های فرهنگی آشنا می‌شود، به تدریج رفتار اجتماعی مناسب را فرامی‌گیرد و از طریق قبول نقش‌های اجتماعی، خود را برای آینده آماده می‌سازد. فرد در خانواده و از طریق جامعه‌پذیری و کنش متقابلی که با والدین، همسالان، محله و محیط مدرسه دارد، به تدریج نقش‌های جنسیتی را فرامی‌گیرد. با قبول تعارضاتی که در این نقش وجود دارد، معمولاً دختران کوچک از همان ابتدا فرامی‌گیرند که نقش جنسیتی زن بزرگسال همراه با پذیرش فرودستی به مردان وابسته است. پسران نیز می‌آموزند که مردان برتر از زنان هستند و باید به دنبال امیال و آرزوهای خود باشند و برای کسب آن بتوانند دیگران را تحت نظارت قرار دهند (حیدری‌نژاد و نواح، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

جسی برنارد<sup>۱</sup>، ازدواج را به صورت امری تحلیل می‌کند که هم‌زمان نظامی فرهنگی از اعتقادات، آرمان‌ها، نظم نهادی، نقش‌ها و هنجارها و مجموعه‌ای از تجربه‌های تعاملی برای هر زن و مرد خاصی است. ازدواج از لحاظ فرهنگی تقدیر مطلوب زن و مایه رضایت زن به شمار می‌آید. ازدواج به‌طور نهادی با اعتقاد به برخورداری مرد از اقتدار و قدرت جنسی مرد منطبق است و مرد فرمان می‌دهد و زن مطیع است. زن به‌طور هنجاری و اجباری متحمل بی‌قدرتی، وابستگی، تعهد به خدمت خانگی، عاطفی، جنسی و دوری تدریجی از شخص جوان مستقل است. برنارد ازدواج را به نفع مردان و ضرر زنان می‌داند و معتقد است که زنان باید در پی رهایی از این وضعیت باشند. به عقیده او تأثیر نابرابر زناشویی بر روی دو جنس، زمانی متوقف خواهد شد که زن و شوهر از قیدوبندهای نهادی رایج رهایی یابند و ازدواجی را در پیش گیرند که با نیازها و شخصیتشان بهترین همخوانی داشته باشد (ریتزر، ۱۳۹۵: ۶۲۷).

یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند بی‌قدرتی، سلطه و انقیاد دختران در ازدواج زودهنگام را تبیین کند، نظریه منابع پلاد و ولف<sup>۲</sup> (۱۹۶۰) است. در این نظریه قدرت نسبی زن و شوهر در تصمیم‌گیرهای خانوادگی بستگی به منابع نسبی مانند سطح تحصیلات، اشتغال، درآمد و تجاری دارد که هر یک از همسران وارد ازدواج می‌کنند. فردی که بیشترین منابع را برای تأمین نیازهای شریک زندگی‌اش و یا برای رسیدن به اهداف خانواده دارد، تعادل قدرت و به انقیاد درآوردن را به سمت خود خواهد داشت. همچنین اهمیت منابع اقتصادی برای تصمیم‌گیری زناشویی ممکن است در درجه اول از دسترسی به منابع مالی نبوده و به همان میزان می‌تواند ناشی از شرایط

1. Jessie Bernard  
2. Blood & Wolfe

سنی و فرصت‌های کسب تجربه در مهارت‌های بین فردی و تصمیم‌گیری در خارج از خانواده - که می‌تواند نقش شخص را برای خانواده مفید کند- باشد (میرحسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲۹).

گری بگر<sup>۱</sup> در نظریه اقتصادی خود، به ازدواج برمبنای تحلیل هزینه - فایده توجه دارد. به‌زعم وی صرف اینکه بگوییم افراد با تبیین‌های فرهنگی و به دلیل سلیقه در امر ازدواج تصمیم می‌گیرند، درست نیست. بلکه افراد به علت شرایط خاصی که در آن قرار گرفته‌اند و محدودیت‌هایی که با آن مواجه شده‌اند، در خصوص مسائلی مانند ازدواج تصمیم می‌گیرند. در واقع افراد برای تصمیم‌های خود (و نه فقط تصمیم‌های اقتصادی)، یک قید بودجه انتزاعی، یک قیمت ذهنی و یک منفعت و هزینه نهایی ذهنی در نظر می‌گیرند و بر اساس همان رفتار می‌کنند.

#### ۴. روش پژوهش

اقتضانات روش‌شناختی هر پژوهشی به ماهیت موضوع پژوهش بازمی‌گردد و بر اساس آن باید در هر موضوع خاصی روش مناسبی اتخاذ گردد. با توجه به اینکه در این پژوهش، هدف بررسی ذهنیت کنشگران از پدیده ازدواج زود هنگام است، از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و روش کیفی برای اجرای فرآیند تحقیق استفاده شده است. هدف پژوهش کیفی فهم معنای انگیزه‌ها، کنش‌های متقابل و معنای ذهنی کنشگران است. تحقیقات کیفی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌پذیرند، یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نظریه زمینه‌ای است. هدف نظریه زمینه‌ای، تولید تئوری از خلال بررسی و مطالعه فرآیندهای اجتماعی بر اساس جمع‌آوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها است. بر این اساس، این پژوهش بر آن است تا با استفاده از رویکرد تفسیری، از طریق ورود به ذهنیت و نظام معنایی کنشگران، به فهم از پدیده ازدواج زود هنگام در جامعه مورد مطالعه برسد.

جمعیت آماری مورد مطالعه در این پژوهش زنانی است که ازدواج زود هنگام در سنین ۱۲ تا ۱۷ سالگی داشته<sup>۲</sup> و در سال ۱۴۰۰ در حین انجام پژوهش ساکن روستای زیودار شهرستان پل‌دختر بودند. همچنین در این پژوهش از شیوه

1. Gary becker

۲. قابل ذکر است مقصود نویسندگان از جمعیت مورد مطالعه در این تحقیق افرادی بوده‌اند که ازدواج زود هنگام داشته‌اند؛ یعنی در زمان ازدواج سن‌شان کمتر از سن قانونی بوده است (زیر هجده سال). همچنین تعدادی از نمونه‌های مورد مصاحبه افرادی بودند که در زمان مصاحبه سن آن‌ها بالاتر از سن قانونی بوده است؛ اما از آنجایی که ملاک برای محقق سن زمان ازدواج بوده، این افراد نیز جزء جمعیت مورد مطالعه محسوب شدند.

نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده شد. در نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب نمونه‌ها با حداکثر نوسان و تنوع (انتخاب مواردی اندک با بیشترین تفاوت ممکن) انجام می‌شود. از این طریق دامنه نوسان و تفاوت در میدان آشکار می‌شود. برای تحقق این هدف و دستیابی به زوایای پنهان و تاریک پدیده، از تیپ‌های مختلف افراد جمعیت آماری مثل افراد متعلق به گروه‌های گوناگون (طایفه)، باسواد و بی‌سواد، مذهبی و غیرمذهبی و غیره استفاده شده. نمونه‌گیری نظری برخلاف سایر نمونه‌گیری‌ها، هم‌زمان با فرآیند پژوهش و بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل آشکار می‌شوند و با نظریه در حال شکل‌گیری تناسب دارد. در این شیوه، نمونه‌گیری و افزودن به اطلاعات زمانی به پایان می‌رسد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موارد انجام شود (Flick, 2010: 140) و به تدریج از خلق مفاهیم جدید کاسته شود. تکنیک عمده مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه عمیق بود. در هنگام تحلیل، در مرحله اول داده‌ها ویرایش و مستندسازی شدند و سپس برای تحلیل از کدگذاری نظری استفاده شد. کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه زمینه‌ای گردآوری شده‌اند. در کدگذاری نظری از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد. در کدگذاری باز مفاهیم اولیه و سپس مقولات عمده مبتنی بر آن‌ها، شناسایی شد، خصیصه‌ها و ابعادشان در داده‌ها کشف شد. در کدگذاری محوری فرآیند اتصال مقوله‌ها به یکدیگر براساس خواص آن‌ها (زیرمقوله‌ها) تعیین گردید. از کدگذاری انتخابی جهت فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه استفاده گردید. برای یکپارچگی موردنظر سعی شد تعامل بیشتری با داده به وجود آید. همچنین در این مرحله سعی شد در داده‌ها غرق و به تعمق بپردازیم تا پیوند بین مقوله‌ها را کشف، آن‌ها را پالایش و باهم یکپارچه کنیم تا در نهایت، نظریه استخراج شود.

#### ۴-۱. مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

ابتدا، جدول کلی مشخصات مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود و در ادامه به توصیف پاسخگویان و سپس تحلیل مصاحبه‌ها می‌پردازیم. لازم به ذکر است که افراد نمونه مورد مطالعه سطح تحصیلات متفاوتی را دارند؛ از این تعداد ۲ نفر بی‌سواد، ۲ نفر پایه پنجم نهضت سواد آموزی، متوسطه اول (پایه هفتم ۱ نفر، پایه هشتم ۱ نفر و ۴ نفر پایه نهم راهنمایی)؛ متوسطه دوم (۱ نفر پایه دهم، ۳ نفر دیپلم) و ۳ نفر فوق

دیپلم می‌باشند. از نظر سن ازدواج مشارکت‌کنندگان، کمترین سن ازدواج ۱۲ سال و بالاترین سن ازدواج ۱۷ سال است.

**جدول (۱): توصیفات جمعیت‌شناختی و دموگرافیک مشارکت‌کنندگان**

شماره	سن مصاحبه‌شونده	سن ازدواج	سطح تحصیلات	کد مصاحبه
۱	۲۲	۱۴	پایه نهم راهنمایی	p-۰۱
۲	۲۰	۱۳	بی سواد	p-۰۲
۳	۲۵	۱۷	دیپلم	p-۰۳
۴	۱۷	۱۲	بی سواد	p-۰۴
۵	۲۵	۱۵	دیپلم	p-۰۵
۶	۲۲	۱۴	فوق دیپلم	p-۰۶
۷	۲۳	۱۷	پایه نهم راهنمایی	p-۰۷
۸	۲۴	۱۳	پایه هفتم	p-۰۸
۹	۱۹	۱۳	پایه هشتم	p-۰۹
۱۰	۲۰	۱۴	پنجم نهضت سوادآموزی	p-۰۱۰
۱۱	۲۵	۱۵	پنجم نهضت سوادآموزی	p-۰۱۱
۱۲	۲۳	۱۲	فوق دیپلم	p-۰۱۲
۱۳	۲۳	۱۷	فوق دیپلم	p-۰۱۳
۱۴	۲۴	۱۴	پایه نهم	p-۰۱۴
۱۵	۲۲	۱۳	پایه نهم	p-۰۱۵
۱۶	۲۴	۱۴	دیپلم	p-۰۱۶
۱۷	۲۰	۱۵	پایه دهم	p-۰۱۷

**۵. یافته‌های پژوهش**

بعد از استخراج و کدبندی مربوط به ذهنیت کنشگران از پدیده ازدواج زود هنگام در مرحله کدگذاری باز، ۴۸ مفهوم استخراج شد که در مرحله کدگذاری محوری در

قالب ۱۳ مقوله عمده مقوله‌بندی شدند. سپس در مرحله کدگذاری انتخابی در قالب یک مقوله هسته یعنی «ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد» ترسیم و مورد بحث قرار گرفتند. همچنین، در نظریه زمینه‌ای برخلاف روش‌های متعارف تحقیق، واحد تحلیل فرد نیست، بلکه مفاهیمی که در جریان نمونه‌گیری نظری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند از افراد مورد مصاحبه به اشباع نظری رسیده‌اند، هستند. مفاهیم اولیه و مقولات عمده در این مطالعه در پاسخ به سؤالات زیر استخراج شدند؛ چی شد به ازدواج زود هنگام رسیدی؟ شرایط اونجا چطور بود که باعث شد زود ازدواج کنی؟ چه چیزهای دیگه‌ای در این قضیه مؤثر بودن که باعث شد زودتر ازدواج کنی؟ موقعی که ازدواج زود هنگام کردی چه راه‌هایی رو بکار گرفتی تا با این قضیه کنار بیایی؟ ازدواج زود هنگام چه پیامدهای بر روی زندگی داشته؟ و البته از سؤالات اکتشافی کجا، چرا و چگونه نیز برای مشخص شدن ابعاد و عمق مسئله استفاده شد. جدول شماره ۲ مفاهیم اولیه، مقولات عمده و مقوله هسته استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول (۲): مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله هسته

مفاهیم اولیه	مقولات عمده	
اولویت بیشتر نسبت به جنس ذکور در خانواده، باور به حرف‌شنوی دختران نوجوان، ارزش و معنا یافتن دختر با ازدواج، تابو بودن ابراز عشق و علاقه	ناخودآگاه جمعی جنسیتی	شرایط علی
معاش‌اندیشی و محاسبه‌گرایی تملک، تجرد به مثابه بار تکفل اقتصادی	معاش‌اندیشی و محاسبه‌گرایی	
بخت و اقبال، قسمت‌زلی، بخت فامیلی، شانس محدود	تقدیر‌گرایی	
از دست دادن فرصت ازدواج، ترس از انتخاب واقع‌نشدن، ترس از انگ اجتماعی ترشیده	دلهره از تجرد قطعی	شرایط زمینه‌ای
محدودیت تحصیلی دختران، حساسیت‌های ناموسی، لجاجت و تعصب‌گرایی، کنترل بیش‌ازحد بر بیرون رفتن دختران از خانه، باورهای دست‌وپا‌گیر درباره زن	نظارت اجتماعی به مثابه انسداد اجتماعی	
چشم و هم‌چشمی، پاسخ به نیازهای فل فورم و آنی، حسادت ورزیدن،	ایستارهای رقابت جوانه	شرایط مداخله‌گر

مفاهیم اولیه	مقولات عمده	
مقایسه کردن، برتری جویی، حس خودخواهی		
بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی، کالایی شدن دانشگاه، مدرک گرایی	ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی	
ازدواج به منزله آبرومندی، ترس از ولنگاری اجتماعی	ازدواج به منزله تور هنجاری- اخلاقی	
حرف شنوی و مطیع بودن، عادی سازی کردن	تسلیم و سازگاری	استراتژی
عدم ضرورت تحصیل، مدرسه به معنای اتلاف وقت، قباحث تحصیل برای زن متأهل	بازدارندگی از تحصیل	پیامدها
وابستگی به شوهر، تنبیه فیزیکی، تحقیر و فحاشی	سلطه و خشونت پذیری	
روابط جنسی اجباری، خشونت جنسی، حس تنفر از رابطه جنسی	بهره کشی جنسی	
به آخر خط رسیدن، استیصال، ناامیدی، پوچ انگاری، فکر به خودکشی، عدم تحمل شرایط موجود، افسردگی و اضطراب	بحران روحی - انگیزشی	

در زیر به اختصار به هر یک از مقوله‌های عمده و مقوله هسته با ارجاع به درک و دیدگاه افراد مورد مطالعه پرداخته می‌شود.

### ۵-۱. مقوله محوری: ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد

مقوله محوری در کدگذاری محوری «ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد» است. مقوله‌ای که می‌تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش داده و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. این مقوله از سطح انتزاع بالایی برخوردار بوده و می‌توان آن را هسته اصلی کدگذاری این مرحله تلقی کرد. مشارکت کننده شماره ۱۵ روایت می‌کند:

«وقتی زود ازدواج می‌کنی دیگه خودت نیستی که شوهر دلخواه تو انتخاب می‌کنی و همیشه بابت نداشتن حق انتخاب غصه می‌خوری... باید مطیع و فرمان بردار باشی. به نظرم دختری رو که زود شوهر میدن باید همیشه فقط خواسته‌ها و امیال شوهرش رو برآورده کنه و این یعنی اسارت.»

در این مرحله، برای مقوله محوری پرسش‌های زیر مطرح شد که با توجه به کدگذاری مرحله قبلی و نیز تحلیل مجدد و بازپروری، به آن‌ها پاسخ داده شود. این پرسش‌ها عبارت‌اند از: «علل شرطی به وجود آورنده این پدیده چه چیزهای هست؟ زمینه یا زمینه‌های به وجودآورنده این پدیده چیست؟ شرایط مداخله‌گر به وجود آورنده این پدیده کدامند؟ این پدیده در کدام کنش و راهبرد متجلی می‌شود؟ و این پدیده چه پیامدهای به دنبال دارد؟».

## ۲-۵. شرایط علی

### ۲-۵-۱. ناخودآگاه جمعی جنسیتی

منظور از ناخودآگاه جمعی جنسیتی مجموعه باورها، ارزش‌ها و طرحواره‌های جمعی هستند که در بستر زمان شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد. این باورها و ارزش‌ها با عادت‌وارهای افراد در ارتباط هستند و حاوی کنش‌ها و کردارهای جنسیت‌زده‌ای است که به تداوم تبعیض جنسیتی در بستر یک فرهنگ می‌انجامد. یکی از واقعیت‌های اجتماعی که بیانگر این موضوع است، اولویت و توجه بیشتر نسبت به جنس ذکور و محروم کردن دختران از ارث در خانواده پدری است. در نگاه و باور جمعی منع ارث‌بردن دختران پذیرفته شده و زنان و دختران نیز آن را یک امر مسلم و پذیرفته شده می‌دانند. اگر شنیده شود که دختر یا زنی درخواست ارثیه و سهم نموده نحوه مواجهه دیگران با این مسئله به گونه‌ای است که انگار وی مرتکب خطا، هنجارشکنی و نقض ارزش‌های حاکم بر جامعه شده است. مشارکت‌کننده شماره ۴ روایت می‌کند:

«الآن که به گذشته خود نگاه می‌کنم، می‌بینم که در بیشتر مواقع پدرم به برادرانم بیشتر توجه می‌کرد و در بسیاری از مواقع به طرفداری کردن از آن‌ها می‌پرداخت و حق را به آن‌ها می‌داد، انگار ما را آدم به حساب نمی‌آوردند... زندگی خوبی ندارم و شوهرم درآمد کافی برای معاش زندگی‌مان ندارد و فکر می‌کنم اگر از خانواده ام درخواست ارث کنم، دیگر با چه رویی باید برم خانه پدری».

یکی از انگاره‌های دیگری که در ناخودآگاه جمعی جنسیتی وجود دارد، ارزش و معنا یافتن دختران با امر ازدواج است. به‌زعم جسی برنارد<sup>۱</sup> ازدواج از لحاظ فرهنگی تقدیر مطلوب زن و مایه رضایت زن به شمار می‌آید. ازدواج به‌طور نهادی با اعتقاد به



برخورداری مرد از اقتدار و قدرت جنسی مرد منطبق است و مرد فرمان می‌دهد و زن مطیع است. زن به‌طور هنجاری و اجباری متحمل بی‌قدرتی، وابستگی، تعهد به خدمت خانگی، عاطفی، جنسی و دوری تدریجی از شخص جوان مستقل است (ریترز، ۱۳۹۵: ۶۲۷).

در باور جمعی این زنان، زودتر ازدواج کردن دختران نشانه بزرگ‌تر شدن، کسب اعتماد و موردتوجه قرار گرفتن آنان است. این تمایل به ازدواج کردن زودتر دختران در گفتگو و تصورات جمعی مادران نیز مشهود است. در باور و زیست جهان این مادران، داماد گرفتن نوعی ارزش، منزلت و پرستیژ اجتماعی برای آن‌ها ایجاد می‌کند. همچنین دخترانی که در خانواده‌هایی بزرگ‌شده‌اند که زنان در این خانواده‌ها جایگاه تعریف‌شده‌ای ندارد و به رسمیت شناختن آن‌ها منوط به کارهای خانگی یا فرزند آوری است؛ مکانیسم‌های جایگزینی از قبیل ترغیب و تشویق دختران به ازدواج زودهنگام برای ابراز وجود و جایگاه اجتماعی آن‌ها وجود دارد؛ چراکه با ازدواج زودتر دختر، مادر مقبولیت اجتماعی بیشتری را کسب می‌کند. این مسئله هم به لحاظ هم‌جنس بودن با دختر و هم به لحاظ شرایط جدیدی که این پیوند زناشویی در خانواده ایجاد می‌کند، قابل توضیح است.

«من وقتی اولین خواستگار برایم اومد و پدر و مادرم از من نظر خواستند، احساس کردم من هم هستم و جایگاهی در خانواده‌ام دارم. تصمیم و نظر من برای دیگران مهم شده و احساس کردم مثل سایر بزرگ‌ترهای خانواده می‌توانم حرف بزنم... تازه یک فردی پیدا شده که حاضر به خاطر من هر کاری بکنم». مشارکت‌کننده شماره ۱۵.

همچنین وجود انگاره‌ها و تهنشست‌های فرهنگی حاکم موجب شده است که دختران کمتر بتوانند احساس، علاقه و تجربه عشق و دوست داشتن خود را با خانواده در میان بگذارند. علاوه بر این، وجود این انگاره‌ها در شرایط امروزی موجب شده است که این دختران پیوند دیرینه رابطه جنسی، عشق و ازدواج را در یک نفر جستجو کنند، درحالی‌که در سایر فرهنگ‌های شهری این انگاره‌ها تقریباً تفکیک شده است؛ یعنی برخی جوانان در جامعه شهری می‌توانند ضمن تجربه «ارتباط فرا زناشویی» در آینده ازدواج دائم داشته باشند و محدودیت کمتری برای تجربه روابط عاطفی، جنسی و زناشویی دارند. در این شرایط دختران با تقدسی که برای مفهوم عشق قائل است با ناکامی‌ها و تعارضاتی از قبیل؛ شرایط سنی نامناسب (پایین بودن سن ازدواج برای دختر)، فقر شدید خانواده و عدم توانایی مالی و حرفه

ای خانواده برای شروع زندگی و ازدواج‌های تحمیلی برخلاف علاقه و میل نوجوانان و جوانان مواجه می‌شوند؛ بنابراین بسیاری از دختران نیازهای عاطفی، جنسی و عشقی خود را سرکوب می‌کنند و امکان ابراز آن را نخواهند داشت. مشارکت‌کننده شماره ۷ چنین روایت می‌کند:

«وقتی پسر عموم به خواستگاریم اومد هیچ عشق و علاقه‌ای بهش نداشتم، نمی‌تونستم بگم من عاشق پسر دیگری هستم و او را دوست دارم. احساس خواهری نسبت به پسر عموم داشتم... بعد از مدتی به اجبار و اصرار خانواده‌ام با پسر عموم ازدواج کردم».

### ۵-۲-۲. دلهره از مجرد قطعی

منظور از مجرد قطعی، سنی از ازدواج است که در آن افراد امید چندانی به ازدواج ندارند و احتمال زوجیت در بین آن‌ها بسیار کم است. ترس از مجرد قطعی این‌ها را در فضای خانواده ایجاد می‌کند که نباید فرصت‌های ازدواج را از دست داد. ترس از مجرد قطعی یک‌بار روانی برای فرد ایجاد می‌کند که با بالا آمدن سن ازدواج این ترس مضاعف می‌شود. همچنین عدم تمایل دختر به ازدواج، هنگامی که در سنین پایین خواستگارهای متعددی دارد، این تصور را برای عامه ایجاد می‌کند که احتمالاً دختر مشکلی دارد و این امر در تصمیم والدین برای زودتر شوهر دادن دختر نقش دارد. مشارکت‌کننده شماره ۵ روایت می‌کند:

«در منطقه ما چون سن ازدواج پایین است، دختری که تا زیر ۲۵ سال ازدواج نکنه، احتمالاً باید خودش رو برای مجرد قطعی آماده کنه... نگاه خوبی به این دختران وجود نداره و من از این می‌ترسیدم که نکنه روزی برای همیشه مجرد بمونم».

ترس دختران نوجوان از انگ و برچسب ترشیدگی<sup>۱</sup> ناشی از ازدواج نکردن و بالا رفتن سن و مجرد قطعی نیز وجود دارد. این نوع نگاه و انگ‌های کلامی به دختران مجرد بیشتر در زمان خشونت علیه آنان و یا در زمان خواستگاری مشاهده می‌شود. در شرایطی که دختر قصد ازدواج زودهنگام ندارد، اطرافیان وی را در قیاس با دختران ترشیده قرار می‌دهند و این موجب می‌شود که دختران از ترس این انگ‌های اجتماعی و رهایی از آن زودتر به ازدواج زودهنگام تن دهند.

۱. در زبان محلی به دخترانی که فرصت ازدواج را از دست داده‌اند و در اصطلاح «پیردختر» هستند، معمولاً انگ «ده بو منه» زده می‌شود.

«یکی از همسایه‌های ما دو دختر دارد که یکی از تاون‌ها فرصت ازدواج رو از دست داده، وقتی اختلاف خانوادگی پیش میاد، بردارانش به او میگن «ده بومنه». تو اگه خوب بودی مثل بقیه دخترا زود شوهر می کردی... وقتی این رو می دیدم که دختر مجرد چه انگ‌ها و توهین‌هایی رو باید متحمل بشه تصمیم گرفتم زودتر ازدواج کنم» (مشارکت‌کننده شماره ۸).

### ۵-۳. شرایط زمینه‌ای

#### ۵-۳-۱. نظرات اجتماعی به مثابه انسداد اجتماعی

منظور استفاده از مکانیسم‌های غیررسمی و بازدارنده‌ای است (ابزار و روش‌هایی منفی) که در جهت انطباق بیشتر دختران با انتظارات خانواده یا اطرافیان بکار گرفته می‌شود. در این شرایط نظرات اجتماعی با بکار گرفتن قدرت و فشار هنجاری موجب ممانعت از تعاملات آزادانه دختران با اعضای جامعه می‌شود. یکی از مصادیق عینی این واقعیت محدودیت تحصیلی دختران است. این محدودیت از طرف والدین خصوصاً پدران به خاطر دوری دختران از محل تحصیلشان (مدرسه یا دانشگاه) اعمال می‌گردد. همچنین والدین با گذاشتن شروطی از قبیل ازدواج دختران قبل از دانشگاه رفتن موجب مخدوش کردن انتخاب آزادانه دختران بین ادامه تحصیل یا ازدواج می‌شوند. مشارکت‌کننده شماره ۳ روایت می‌کند:

«من یکی از شاگرداولی‌های دبیرستانمون بودم، وقتی خرداد قبول شدم و دیپلم گرفتم از شانس من خواستگاری هم داشتیم که الان شوهرمه... پدرم گفت اگه می‌خوای بری دانشگاه برو، ولی قبلاً ازدواج کن. متأسفانه با ازدواج کردنم دیگه نتونستم ادامه تحصیل بدم».

یکی دیگر از مصادیق نظارت اجتماعی شدید که موجب انسداد در روابط اجتماعی دختران می‌گردد، تعصبات و حساسیت‌های ناموسی به شکل افراطی است. توجه به باورهای فرهنگی و اعتقادی که ریشه در فرهنگ بومی، عرفی و مذهبی جامعه دارد، حساسیت‌های ناموسی را نشان می‌دهد. این باورها بر حفظ کرامت، حیثیت، شرافت، تقدس و پاکی دختران تأکید دارد و این موجب شده نظارت‌های اجتماعی و حساسیت بیشتری بر دختران وجود داشته باشد. از پیامدهای نظارت‌های اجتماعی شدید نسبت به دختران، ایجاد محدودیت در بیرون رفتن دختران از خانه و سلب آزادی دختران در روابط اجتماعی است.

«من فکر می‌کنم نسبت به دختر مجرد حساسیت‌های بیشتری وجود دارد، متأهل بودن این خوبی رو دارد که دیگر کمتر تحت مراقبت و نظارت هستی... وقتی مجرد بودم دائماً مادرم می‌گفت: دخترم کاش زودتر شوهر کنی، چون نگران آبروی خانوادمون و پاک موندن تو هستم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۴).

### ۵-۳-۲. ازدواج به‌منزله تور هنجاری - اخلاقی

باور به اینکه ازدواج به‌عنوان یک ابزار و تور ایمنی عمل می‌کند که افراد را از مخاطرات و آسیب‌های موجود و نابهنجار در محله حفظ می‌کند. یکی از مصادیق ازدواج به‌منزله تور هنجاری و اخلاقی ترس از آبرو است. در واقع، خانواده‌ها از طریق ترغیب دختران به ازدواج زود هنگام سعی در حفاظت دختران از انحرافات اخلاقی، روابط جنسی نامتعارف و رعایت هنجارهای جنسی برای حفظ آبروی خانوادگی خود هستند. در این نوع نگاه ازدواج کردن زودتر دختران و کنترل آن‌ها از طریق شوهرانشان می‌تواند آبروی خانوادگی را حفظ کند. مشارکت‌کننده شماره ۹ روایت می‌کند:

«همیشه مادرم می‌ترسید که نکنه اتفاقی برام بیافته. بهم می‌گفت: بیشتر مواظب خودت باش بابات یک‌عمر با آبرو زندگی کرده... به نظرم موضوع حفظ آبروی خانوادگی از ناحیه دختران جوان موجب شده که آن‌ها با اولین خواستگار شوهر کنن» (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

«پدرم می‌گه شلوار برای سردی و گرمی پا نمی‌گذاریم، برای غیرت و شرف است. دخترمان را زود شوهر می‌دیم، چون روی ناموس و شرف و حیثیت غیرت داریم» (مشارکت‌کننده شماره ۱).

از مصادیق دیگر ازدواج به‌منزله تور هنجاری - اخلاقی، ترس از ولنگاری اجتماعی دختران است. ولنگاری اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز روابط جنسی نامتعارف و انحرافات اخلاقی دختران باشد. از پیامدهای این امر برچسب‌زنی و انگ‌های اجتماعی مانند؛ «بی‌خانواده»، «بی‌آبرو» و «هرزه» است که می‌تواند آبروی خانوادگی و هویت اجتماعی آن‌ها را مخدوش کند. در واقع، خانواده‌ها ازدواج زود هنگام را راهکاری برای پیشگیری از ولنگاری اجتماعی دختران‌شان و پیامدهای آن می‌دانند.

«نسبت به دختران مجرد نگاه خوبی وجود ندارد. این دختران معمولاً با دوست‌پسر یا افراد متأهل غریبه‌ای رابطه دارن و مردم به چشم خوب به اون‌ها نگاه نمی‌کنن و بی‌خانواده و بی‌آبرو به حساب میان... وقتی پدرم این واقعیت‌ها رو می‌دید تصمیم گرفت که زودتر شوهر کنم تا عاقبتم مثل این دختران نشه».

### ۵-۳-۳. تقدیرگرایی

تقدیرگرایی به مثابه اعتقاد فردی است که پدیده ازدواج را به نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیکال نسبت می‌دهد و موجب ناتوانی درک فرد برای تصمیم‌گیری در امر ازدواج در آینده می‌شود. مانفرد<sup>۱</sup> (۱۹۷۶) تقدیرگرایی را به مثابه ارزش و اعتقادی فرهنگی، خاص جوامعی می‌داند که جامعه آن دارای ویژگی‌های خاصی است؛ در این جوامع عرف بر قانون غلبه دارد (نیازی و شفاهی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۵). یکی از مفاهیم نشان‌دهنده تقدیرگرایی در جامعه مورد مطالعه اعتقاد به بخت و اقبال در امر ازدواج است. افراد با اعتقاد به بخت و اقبال نیک و یا بد خود امر ازدواج را به نیروهای فرا انسانی مرتبط می‌دانند. همچنین این تقدیرگرایی به تسهیل در امر ازدواج کمک می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ روایت می‌کند:

«وقتی بخت و اقبال سراغت بیاد، نمی‌شه اون تغییر داد. من به بخت در ازدواج اعتقاد دارم... موقعی که ازدواج کردم یادمه دوتا گیاه بهم گره زدم تا بخت و اقبالم باز بشه. به نظرم اگه سوار بر بخت و اقبال نیک بشی در خوشبختی‌ها به روت باز شده، ازدواج یعنی بخت و اقبال داشتن».

بخت فامیلی و شانس محدود یکی از مصادیق عینی «تقدیرگرایی» است. در این زمینه ازدواج دختر عمو و پسر عمو و وصلت ازلی آن‌ها از مصادیق عینی بخت فامیلی است. بخت فامیلی به منزله نوعی از انسداد در سرنوشت افراد نقش بازی کرده و به منظور حفظ میراث خانوادگی و انسجام درون فامیلی در محدوده گروه خانوادگی اعمال می‌گردد. بر این اساس گرچه دختر هنوز شرایط سنی لازم برای ازدواج را دارا نیست، اما والدینش بر مبنای تقدیرگرایی و باور به بخت فامیلی سعی می‌کنند، شانس محدود شده‌ی دخترشان را از دست ندهند. مشارکت‌کننده شماره ۴ چنین روایت می‌کند:

«یادمه پدرم همیشه این ضرب‌المثل رو برام بازگو می‌کرد: «شی تاته‌زایی میاد، جفته جگایی میام»؛ یعنی ازدواج با فامیل بهتره تا با غریبه. برای اینکه من رو متقاعد کنه تا با پسر عموم ازدواج کنم، گفت: فامیل اگه گوشت هم و بخورن استخوان هم رو نمی‌شکنن. دخترم بخت فامیلی حکم ازلی است و این یک شانسی که نصیب هر کس نمی‌شه».

## ۴-۵. شرایط مداخله‌ای

### ۴-۵-۱. ایستارهای رقابت‌جویانه

مواضعی که افراد بر اساس اطلاعات، شناخت و ارزش‌های ذهنی بر مبنای مقایسه کردن، حس برترجویی و حسادت نسبت به دیگران اتخاذ می‌کنند و لزوماً آن‌ها را ابراز نمی‌کنند. یکی از مصادیق ایستارهای رقابت‌جویانه مقایسه کردن و چشم و هم‌چشمی است. ایجاد ارزش‌گذاری از طریق مقایسه کردن دختران نسبت به همسالان خود که زودتر ازدواج کرده‌اند، ضمن اینکه حس رقابت و برتری‌جویی را در آنان ایجاد می‌کند، دغدغه و تلاش فرد را برای زودتر ازدواج کردن را نیز به دنبال دارد. در واقع این مقایسه کردن می‌تواند زمینه تقلید کورکورانه و اثرپذیری از کنش‌های دیگران برای زودتر ازدواج کردن را به دنبال داشته باشد. مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید:

«وقتی دختری شوهر می‌کرد، مادرم دائماً بهم می‌گفت: ببین دختر فلانی سنش از تو کمتره و تازه بچه‌داری هم بلده و کار خونه رو هم انجام میده، اما تو چی... وقتی این حرف‌ها رو می‌شنیدم احساس می‌کردم که ارزش دختر به شوهر داشتنه و اگه زودتر سرو سامان بگیرم، حداقل کمتر مادر و اطرافیانم من و تحقیر می‌کنن».

یکی دیگر از ایستارهای رقابت‌جویانه «حسادت ورزیدن» نسبت به دیگران است. فرد با مقایسه دیگران با خود روی زندگی آن‌ها بیشتر تمرکز دارد و خواهان چیزی است که کمبود آن را در زندگی خود احساس می‌کند؛ بنابراین تحت این شرایط افراد بیشتر دنبال پاسخ به نیازهای آنی و فوری خود هستند و کمتر به فرصت‌های که در آینده می‌توانند داشته باشند می‌پردازند. یکی از این نیازها که در کوتاه‌مدت و برای کاهش حسادت‌ورزی بکار می‌گیرند، تشویق و ترغیب دختران به ازدواج زود هنگام است.

«در زندگی باید دید که رفیقت چگونه وضعیتی داره. من معتقدم اگه دختر همال‌داری<sup>۱</sup> بلد نباشد و به زندگی دیگران بی‌توجه باشد عقب می‌ماند. وقتی همسال من شوهر کرد گفتم مگه اون چه قابلیتیه داره که من ندارم... والدینم دائماً می‌گفتن ببین فلان دختر نیم قد تو نیست ولی شوهر کرده و اهل زندگیه. بعض وقت‌ها نسبت بهش حسودیم می‌شد».

۱. این مفهوم بیشتر از طرف والدین برای ترغیب فرزندان برای ایجاد حس رقابت از طریق مقایسه با دیگرانی که چیزی به دست آورده‌اند، بکار گرفته می‌شود.

## ۵-۴-۲. ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی

عدم دستیابی به اشتغال پس از طی سال‌های متمادی تحصیل، شیوع مدرک‌گرایی و فقدان اهداف متعالی از قبیل کسب علم در کنار کالایی شدن تحصیلات دانشگاهی (بدین معنا که دانشگاه از نظر والدین صرفاً محلی برای دریافت هزینه از دانشجو است و در آن مهارت تخصصی به افراد آموزش داده نمی‌شود)، بستری را فراهم کرده که از آن تحت عنوان ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی برای والدین و فرزندانشان یاد می‌شود. از مصادیق ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی است. وقتی خانواده دور نمائی اقتصادی و بحث هزینه - فایده در زمینه تحصیلات دانشگاهی فرزندان را ترسیم می‌کند، هزینه کردن خانواده برای تحصیلات دانشگاهی و بیکاری فرزندان تحصیل کرده فقط هزینه‌های معیشتی و اقتصادی خانواده را بیشتر کرده است؛ بنابراین انتظارات خانواده از تحصیلات دانشگاهی فرزندان برای رفع نیازهای شغلی آنان در آینده همخوانی ندارد. در این شرایط والدین نتیجه می‌گیرند که اگر فرزند دخترشان زودتر ازدواج کند و برای تحصیلات وی هزینه نکنند، بهتر است. مشارکت‌کننده شماره ۵ روایت می‌کند:

«برادرم بعد از ۶ سال تحصیل در دانشگاه الآن بیکاره و هیچ درآمدی نداره... پدرم میگه هر چی هزینه کردم بی‌فایده بود... الآن مثل بقیه باید بیل دستش بگیره و کشاورزی کنه. اون میگه دیگه اشتباه نمی‌کنم به جای اینکه پولم و میدادم دانشگاه زودتر باید سرو سامانش می‌دادم... وقتی تحصیل کرده‌های بیکار منطقه‌مون رو می‌بینم به بابام حق میدم».

## ۵-۴-۳. معاش‌اندیشی و محاسبه‌گری

منظور از معاش‌اندیشی و محاسبه‌گری این است که کنشگران با تصمیم‌گیری در امر ازدواج در سنین کودکی و با محاسبه‌گری عقلانی - اقتصادی درصدد بهره‌مندی مالی از امر ازدواج برای خود و فرزندان هستند. در این فرآیند ازدواج به‌مثابه یک کنش مبادله‌ای مدنظر بوده و تصمیم‌گیری کنشگران مبتنی بر هزینه - فایده است. یکی از مصادیق عینی این تعریف، ابزاری شدن ازدواج است. در اینجا ازدواج زود هنگام فرزندان به‌منزله ابزاری برای کاهش هزینه‌های خانواده و دورنمای اقتصادی خانواده در نظر گرفته می‌شود. در باور و نگاه خانواده‌ها، هزینه کردن خانواده برای تحصیلات دانشگاهی فرزندان فقط هزینه‌های معیشتی و اقتصادی خانواده را بیشتر کرده است؛

بنابراین انتظارات خانواده دیگر با تحصیل و کسب مدرک برای رفع نیازهای معیشتی همخوانی ندارد؛ در این شرایط خانواده با محاسبه‌گرایی و توجه به هزینه-فایده خود سعی می‌کند از طریق ازدواج زود هنگام هزینه‌هایی از قبیل تحصیلات، ایاب و ذهاب، اجاره‌خانه فرزندان و... را از سر راه خود بردارد.

همچنین بسیاری از خانواده‌ها با محاسبه عقلانی - اقتصادی تأهل زودتر فرزندان را تسهیلگر تمکن و تملک فرزندان تلقی می‌کنند. در واقع متأهل شدن زودتر فرزندان ضمن اینکه هزینه‌های خانواده را کاهش می‌دهد، می‌تواند تسهیلگر مادی برای فرزندان نیز باشد.

«یادمه وقتی می‌خواستم شوهر کنم، به زندگی هم سن و سال‌های خود نگاه می‌کردم و می‌دیدم که هر کدام زودتر شوهر کردند و رفتن خونه بخت و فرزندی هم داشتند و هم صاحب ماشین و صاحب خونه شدن... مادرم می‌گفت: ببین اگر زودتر شوهر کنی، سروسامان می‌گیری و دیگه وابسته من و پدرت نیستی و تو خونه خودت هر طور که دلت بخواد، زندگی می‌کنی» (مشارکت‌کننده شماره ۷)

همچنین مجرد دختران با محاسبه عقلانی - اقتصادی به‌مثابه بار تکفل اقتصادی است. می‌توان گفت خانواده‌ها به‌واسطه شرایط اقتصادی موجود، در خانه ماندن دختر و مجرد وی را به‌منزله سربار اقتصادی قلمداد کرده و در جهت تقلیل بار مالی فرزند و شانه خالی کردن از وظایف اقتصادی خویش برآمده و با پذیرش خواستگار، سبب انتقال این بار مالی بر دوش همسر وی می‌گردند؛ بنابراین مجرد ماندن دختر این احساس و ادراک را در او ایجاد می‌کند که باری بر دوش خانواده است. روایت‌کننده شماره ۱۶ می‌گوید:

«نسبت به دختر مجرد ذهنیت خوبی وجود نداره... وقتی من دخترای مجرد بزرگتر از خودم رو می‌دیدم، بعضی وقت‌ها بهم توصیه می‌کردند که اگر خواستگار برات اومد نکنه ردش کنی، چون ممکنه فردا از طرف نزدیکترین دوستانت یا حتی خانوادت تحقیر و سرزنش بشی و بهت بگن «ده بو منه»<sup>۱</sup>. بسیار سخته احساس کنی که سربار خانوادت هستی».

## ۵-۵. استراتژی

شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای موجب به‌کارگیری تاکتیک‌ها، کنش‌های انفعالی یا

۱. این مفهوم یک انگ اجتماعی است که از طرف اطرافیان نزدیک به دختری که فرصت ازدواج رو ازدست‌داده و نسبت به دیگران دیرتر ازدواج می‌کند، گفته می‌شود.



فعالانه‌ای در دختران برای مواجهه با پدیده ازدواج زودهنگام آنان می‌شود. نحوه مواجهه بیشتر دختران با پدیده ازدواج زودهنگام تسلیم و سازگاری است. این دختران ازدواج را به‌عنوان نوعی باور جمعی و به‌عنوان امری طبیعی و بدیهی از واقعیت‌های جامعه‌ی خود درک می‌کنند و راهبرد تسلیم و پذیرش را بکار می‌گیرند. شرایط اجتماعی و جایگاه فرودستی دختران در خانواده موجب شده که کمتر فرصت چانه‌زنی، حق انتخاب و مخالفت در امر ازدواج برای رسیدن به شوهر دلخواه از خودشان نشان دهند. این دختران پس از ازدواج نیز برای حفظ بنیان خانواده و ترس از انگ‌ها و برچسب‌هایی که پس از طلاق ممکن است متحمل آن شوند، سعی در پذیرش و سازگاری با شرایط را دارند.

«من وقتی خواستگار برام اومد، اصلاً به ازدواج فکر نمی‌کردم... احساس کردم بیشتر نظر پدر و مادرم مهم است و نظر و علاقه من چندان مهم نیست. با خودم گفتم: اگه بگم قصد ازدواج ندارم چی میگن؛ گفتم ممکنه بگن عاشق یک پسر دیگه هستم و یا دختر خودسری هستم که بزرگ کوچکی سرش نمیشه... من برخلاف میل باطنی راهی جز قبول کردن نداشتم.»

## ۵-۶. پیامدها

برهم‌کنش شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و استراتژی‌هایی که پیرامون پدیده شکل می‌گیرد و به بروز و شیوع کودک همسری می‌انجامد و منجر به ظهور پیامدهایی می‌شود که به شرح ذیل است.

## ۵-۶-۱. بازدارندگی از تحصیل

یکی از پیامدهای کودک همسری منع از تحصیل دختران است. گود<sup>۱</sup> نیز بر این باور است که با ازدواج زودهنگام دختران ترک تحصیل می‌کنند و دانش و مهارتی در زندگی کسب نمی‌کنند، در برساخت هویت خود با مشکل مواجه شده و با بی‌اعتمادی و اعتمادبه‌نفس پایین متکی به دیگران می‌شوند (گود، ۱۳۸۲: ۶۰). گذر از دوره مجردی و ورود به دوره متأهلی دختران مستلزم پذیرش نقش‌های متأهلی است. انتظارات نقشی از این دختران بیشتر در قالب وظایف زناشویی و فرزندپروری است تا ایفای نقش دانش آموزی. بسیاری از این دختر بلافاصله پس از ازدواج توسط شوهران از رفتن به مدرسه منع می‌شوند؛ بنابراین، دختران از نقش دانش آموزی

فاصله‌گیری گرفته و دچار دل‌زدگی از نقش تحصیلی می‌شوند و در نهایت ترک تحصیل می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۹ روایت می‌کند.

«بالینکه دانش‌آموز بسیار زرنگی بودم و به درس و مدرسه علاقه داشتم، ولی وقتی ازدواج کردم، شوهر و پدرشوهرم گفتن: دیگه مدرسه نرو. خوبیت نداره یک دختری که شوهر داره بره مدرسه. من هم کم‌کم انگیزه و علاقه‌ام به مدرسه رفتن کم شد تا اینکه دیگه سر جلسه امتحان نرفتم»

### ۵-۶-۲. سلطه و خشونت‌پذیری

در باورها و تفکرات جمعی قدرت‌طلبی مردانه یک امر بدیهی است و خشونت‌ورزی بخش جدانشدنی آن است. در مقابل خشونت‌ورزی مردان از زنان جوان انتظار فرمان بردن و تمکین می‌رود. در کنار خشونت‌ورزی مردان باید به موقعیت فرودستی زنان و پایین بودن سن آن‌ها اشاره کرد که به تضعیف قدرت و جایگاه آنان در خانواده منجر می‌شود. به‌زعم بلاد و ولف (۱۹۶۰) بالا بودن سن، سطح تحصیلات و درآمد پایگاه شغلی به‌عنوان یک منبع جهت رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته‌ها و علائق فرد در مقابل فردی که چنین منابعی در اختیار ندارند، مانع ایجاد می‌کند و این امر نوعی اعمال قدرت محسوب می‌شود. لذا سن پایین دختران در هنگام ازدواج و ترک تحصیل زودهنگام از یک‌طرف و باور به قدرت‌طلبی مردان و جایگاه فرودستی زنان جوان از سوی دیگر موجب پذیرش سلطه و خشونت‌پذیری آنان می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ روایت می‌کند:

«من در بیشتر وقت‌ها که با شوهرم اختلاف دارم، نمی‌تونم در مقابل حرفش حرفی یا چیزی بگم... هر وقت هم چیزی گفتم خشونتش بیشتر میشه، یاد گرفتم که دیگه هر وقت اختلافی پیش میاد مطیع شوهرم باشم».

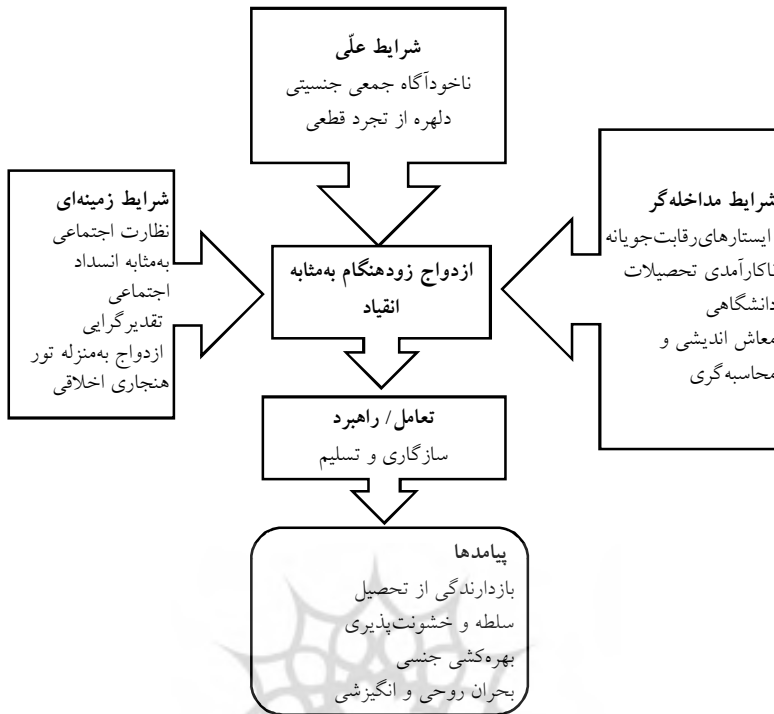
### ۵-۶-۳. بهره‌کشی جنسی

از پیامدهای دیگر کودک همسری بهره‌کشی جنسی از دختران است. دخترانی که از دواج زودهنگام داشته اطلاع و آموزش‌های اندکی در زمینه روابط جنسی دارند و در زمانی که خود هنوز تمایلات جنسی پیدا نکرده‌اند، روابط جنسی اجباری را تجربه می‌کنند. تجربه روابط جنسی یک‌طرفه و به نفع مردان موجب بهره‌کشی جنسی و روابط جنسی غیر رضایتمندانه‌ای در بین زنان جوان شده است. این بهره‌کشی جنسی با ایجاد حس تنفر از روابط جنسی در بین زنان جوان، موجب مخدوش شدن

روابط زناشویی نیز می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۲ روایت می‌کند:  
«شب اول عروسی‌مون بسیار می‌ترسیدم. شوهرم ۲۵ سال داشت و من فقط ۱۳ سالم بود. من تجربه کافی نداشتم، هول شده بودم و از ترس به خودم می‌لرزیدم... اون فقط من و برای لذت جنسی خودش می‌خواست، اصلاً به فکر وضعیت روحی و سلامتی من نبود. شاید به این خاطر هستش که از رابطه جنسی با شوهرم لذت نمی‌برم و احساس رضایت ندارم».

#### ۵-۶-۴. بحران روحی و انگیزشی

یکی از پیامدهای ازدواج زودهنگام ایجاد حس استیصال، ناامیدی، پوچ‌انگاری و افکار خودکشی است. استمرار این مسائل و طولانی مدت بودن زندگی زناشویی و تجربه پایین زنان جوان عواقب عاطفی، روحی و انگیزشی فراوانی برای آنان به دنبال دارد. این زنان معمولاً به علت خصوصی پنداشتن موضوع، به دنبال راه‌حل مناسب برای مقابله با آن نیستند، همچنین وفاداری خانوادگی و پایبندی به اجبارهای فرهنگی - اجتماعی موجب شده که مسائل روحی و عاطفی خود را پنهان کنند و انگیزه‌ی کافی برای درمان خود را نداشته باشند. مشارکت‌کننده شماره ۸ روایت می‌کند:  
«من واقعاً از این زندگی خسته شدم و به آخر خط رسیدم. کاش مثل بقیه دوستانم می‌تونستم ادامه تحصیل بدم. خیلی سخته مشکل روحی تو نتونی بگی. آخه همیشه چیزی هم بگم. خدا نکنه کسی بشنوه ... مجبورم تحمل کنم و به خاطر بچه‌هام سکوت کنم».



شکل (۱): مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای

## نتیجه‌گیری

برای تشریح شرایط، فرآیندها و پیامدهای ازدواج زود هنگام و درک دختران روستایی از ازدواج زود هنگام در جامعه مورد مطالعه، از مدل پارادایمی بالا استفاده شده است. این مدل یک ابزار تحلیلی برای تحلیل‌گران است تا به این وسیله بتوانند فرآیندها و ساختارها را به یکدیگر پیوند دهند. بسترها و شرایط مختلفی بر پدیده ازدواج زود هنگام تأثیرگذار هستند و با توجه به مقولات عمده به دست آمده می‌توان گفت که «مفهوم ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد» مقوله‌ای است که محقق می‌تواند توسط آن نظم موجود بین مفاهیم و مقولات را کشف کند. این مقوله هسته با مقوله اصلی «درهم آمیختگی عاطفی- فکری و بی‌قدرتی» در پژوهش فرهمند و همکاران (۱۳۹۹) همسو و با نتایج پژوهش سیگل و همکاران (۲۰۱۶) ناهمسو است. با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده ۱۳ مقوله عمده به دست آمده که عبارت‌اند از: ناخودآگاه جمعی جنسیتی، معاش‌اندیشی و محاسبه‌گری، تقدیرگرایی، دلهره از مجرد قطعی،

نظارت اجتماعی به مثابه انسداد اجتماعی، ایستارهای رقابت جویانه، ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی، ازدواج به منزله تور هنجاری اخلاقی، تسلیم و سازگاری، بازدارندگی از تحصیل، سلطه و خشونت پذیری، بهره کشی جنسی و بحران روحی - انگیزی. از میان این مقولات به مقوله هسته «ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد» دست یافتیم. در ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد، فرد آن را به عنوان بازتابی از زندگی اش می پذیرد و تسلیم و سازگاری را در پیش می گیرد. انقیاد آن ها دارای یکسری شرایط و بسترهاست و در نتیجه فرآیندهای خاصی حاصل می شود.

بر طبق مدل پارادایمی پژوهش حاضر، ابتدا شرایط علی بر پدیده مورد نظر، یعنی «ازدواج زود هنگام به مثابه انقیاد» تأثیر می گذارند. شرایط علی در پژوهش حاضر ناخودآگاه جمعی جنسیتی و دلهره از تجرد قطعی می باشد.

بر اساس مقوله هسته، دخترانی که ازدواج زود هنگام داشته اند، نقش عاملیتی آنان در مقابل ساختارهای اجتماعی ضعیف و متأثر از ساختارهاست. این موضوع همسو با پژوهش فرهمند و همکاران (۱۳۹۹) است. به زعم آنان ازدواج در سنین پایین، زنان را با بی قدرتی در زمینه فردی و تعاملی در روابط زناشویی روبه رو می کند. خط داستان نشان می دهد که چگونه این انقیاد آن ها بر اساس روایت خاص باطنی و ساختارهای حاکم شکل می گیرد و در مسیر زندگی باز تولید می شود. همان گونه که مدل پارادایمی نشان می دهد ناخودآگاه جمعی جنسیتی حاوی باورها، ارزش ها و طرحواره های جمعی است که در بستر زمان موجب تبعیض جنسیتی، سلطه و خشونت پذیری علیه دخترانی که ازدواج زود هنگام داشته اند می شود. این ناخودآگاه جمعی جنسیتی ضمن اینکه بر جامعه پذیری جنسیتی دختران مؤثر است، موجب می شود که دختران نقش های اجتماعی مناسب خود را برای آینده یاد بگیرند. به زعم ارولکار<sup>۱</sup> (۲۰۰۱۴) نگرش مردم و ناخودآگاه جمعی بر ازدواج زود هنگام اثرگذار است. مصادیقی از قبیل اولویت و توجه بیشتر نسبت به جنس ذکور، محروم کردن دختران از ارث پدری، ارزش و معنا یافتن دختران با امر ازدواج در ناخودآگاه جمعی جنسیتی موجب می شود که دختران یاد بگیرند که برای پذیرش نقش جنسیتی زن بزرگ سال همراه با پذیرش فرودستی زن و وابسته به مردان بزرگ شوند. پسران نیز یاد می گیرند که مردان برتر از زنان هستند و می تواند سلطه و خشونت خود را علیه این زنان اعمال کنند. موقعیت فرودستی دختران در این مطالعه همسو با نتایج

پژوهش دگن (۲۰۰۵) است. این موقعیت فرودستی و اعمال قدرت و انقیاد دختران را می‌توان طبق نظریه‌ی منابع بلاد و ولف (۱۹۶۰) نیز توضیح داد. بر طبق این نظریه هر چه منابعی که فرد در اختیار دارد، بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار است و چنین فردی حق دارد، تصمیمات مهمی را که بر کل خانواده تأثیر می‌گذارد، اتخاذ کند. در این مطالعه چون دخترانی که ازدواج زودهنگام داشته‌اند، از منابع کسب قدرت مانند تحصیلات، درآمد پایگاه شغلی و سن محروم می‌شوند، لذا در موقعیت فرودستی قرار دارند و الگوی تصمیم‌گیری و توزیع منابع بیشتر در اختیار مردان و این زنان بیشتر متحمل انقیاد و خشونت خانگی می‌شوند. همچنین دلهره از مجرد قطعی این باور را برای دختران ایجاد می‌کند که نباید فرصت ازدواج را از دست داد. ترس از مجرد قطعی یک‌بار روانی ایجاد می‌کند که با افزایش سن تشدید می‌شود و می‌تواند انگ‌ها و برچسب‌های اجتماعی برای دختران به دنبال داشته باشد.

مجموعه خاصی از شرایط که منشأ در شرایط علی فوق دارند و در آن دخیل‌ند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوی انقیاد دختران است، شرایط زمینه‌ای نامیده می‌شود. شرایط زمینه‌ای این مطالعه نظارت اجتماعی به‌مثابه انسداد اجتماعی، تقدیرگرایی و ازدواج به‌منزله تور هنجاری-اخلاقی است. تقدیرگرایی افراد که ریشه در ناخودآگاه جمعی جنسیتی دارد، پدیده ازدواج را به نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیکال نسبت می‌دهد و موجب ناتوانی درک عقلانی دختران برای تصمیم‌گیری در امر ازدواج‌شان می‌شود. از مصادیق بارز تقدیرگرایی، اعتقاد به اقبال، بخت فامیلی و شانس محدود است. می‌توان گفت هرچند دختران هنوز شرایط و قابلیت‌های لازم برای ازدواج را کسب نکرده‌اند، اما والدین بر اساس تقدیرگرایی و با تکیه بر بخت فامیلی و شانس محدود ترجیح می‌دهند که دخترانشان فرصت ازدواج را از دست ندهند.

یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای نظارت اجتماعی به‌مثابه انسداد اجتماعی است. نظارت اجتماعی با اعمال قدرت و فشار از طریق محدودیت تحصیلی، تعصبات و حساسیت‌های ناموسی به شکل افراطی موجب ایجاد محدودیت و ممانعت از تعاملات آزادانه و حق انتخاب دختران می‌شود. همچنین این نظارت اجتماعی با مقوله ازدواج به‌منزله تور هنجاری اخلاقی نیز ارتباط دارد. ازدواج به‌منزله تور هنجاری-اخلاقی، ریشه در ناخودآگاه جمعی جنسیتی جامعه مورد مطالعه دارد. باور به اینکه ازدواج به‌منزله یک ابزار و تور ایمنی عمل می‌کند که دختران را از مخاطرات و آسیب‌های موجود و ناپهنجار در شرایط کنونی محفوظ نگه می‌دارد. ترس از آبرو و ترس از

ولنگاری اجتماعی دختران موجب شده که خانواده‌ها برای محافظت دختران از انحرافات اخلاقی، روابط جنسی نامتعارف و رعایت هنجارهای جنسی و ترس از انگ های اجتماعی مانند «بی خانواده»، «بی‌آبرو» و... ازدواج زود هنگام دختران را ترجیح دهند. همچنین ازدواج زود هنگام دختران را باید در اهمیت باکرگی دختر جستجو کرد. اگر دختران پاکی جنسی خود را از دست دهند، شهرت و آبروی خود و خانواده خود را در معرض خطر قرار خواهند داد (ماتور و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۲۵۱). لذا مقوله ترس از بی‌آبرو شدن در این پژوهش همسو با نتایج پژوهش افتخارزاده (۱۳۹۴) و جوادپور (۱۳۹۶) است.

شرایط مداخله‌گری که بر پدیده ازدواج زود هنگام دختران تأثیرگذارند و اثرات عوامل فوق را کندتر یا تسریع می‌سازند را می‌توان ایستارهای رقابت‌جویانه، ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی و معاش‌اندیشی و محاسبه‌گرایی بیان کرد. وجود ایستارهای رقابت‌جویانه مانند مقایسه کردن، حسادت‌ورزیدن و چشم و هم‌چشمی ضمن اینکه حس رقابت و برتری‌جویی را در بین دختران ایجاد می‌کند، دغدغه و تلاش آنان را برای زودتر ازدواج کردن را به دنبال دارد. در واقع، این مقایسه کردن می‌تواند زمینه تقلید کورکورانه و اثرپذیری از رفتارهای دیگران در امر ازدواج را به دنبال داشته باشد. از عوامل مداخله‌ای دیگر این مطالعه، ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی است. طبق نظریه اقتصادی، ازدواج برمبنای تحلیل هزینه - فایده می‌تواند باعث به تأخیر انداختن ازدواج در جستجوی همسری با ویژگی‌های خاص و یا برعکس، تعجیل در ازدواج شود. این مقوله با معاش‌اندیشی و محاسبه‌گرایی رابطه متقابل دارد. وقتی خانواده دور نمائی اقتصادی و بحث هزینه - فایده در زمینه تحصیلات دانشگاهی را برای فرزندان خود ترسیم می‌کند، هزینه کردن خانواده برای تحصیلات دانشگاهی و بیکاری فرزندان تحصیل کرده فقط هزینه‌های معیشتی و اقتصادی خانواده را بیشتر کرده است؛ بنابراین انتظارات خانواده از تحصیلات دانشگاهی فرزندان برای رفع نیازهای شغلی آنان در آینده همخوانی ندارد. در این شرایط ترجیحات والدین بین ادامه تحصیل و زودتر ازدواج کردن فرزندان، ازدواج است.

اثرات متقابل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای فوق موجب شده است که دختران با توجه به شرایط و امکانات موجود استراتژی جزء تسلیم و سازگاری نداشته باشند. در واقع، دختران با استفاده از استراتژی کنش منفعلانه تسلیم و

سازگاری به انقیاد در پدیده ازدواج خود تن می‌دهند. اتخاذ این استراتژی، بر اساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی نیز قابل تحلیل است. دختران در خانواده و از طریق جامعه‌پذیری و کنش متقابل که با والدین، همسالان، محله و محیط مدرسه خود دارند، به تدریج نقش‌های جنسیتی را فرامی‌گیرد. معمولاً دختران کوچک از همان ابتدا یاد می‌گیرند که نقش جنسیتی زن بزرگسال همراه با پذیرش فرودستی به مردان است، لذا باید کنش منفعلانه تسلیم و سازگاری را اتخاذ کنند. مرد نیز می‌آموزد که مردان برتر از زنان هستند و برای کسب قدرت باید زنان را تحت نظارت و انقیاد خود قرار دهند (حیدری‌نژاد و نواح، ۱۳۹۷: ۱۳۹). اتخاذ این استراتژی/ راهبرد در پاسخ مسئله ازدواج پیامدهای بازدارندگی از تحصیل، سلطه و خشونت‌پذیری، بهره‌کشی جنسی و بحران روحی و انگیزشی را برای دختران به همراه داشته است. در این پژوهش پیامدهای سلطه و خشونت‌پذیری و بهره‌کشی جنسی با پژوهش گیج (۲۰۰۹) و افتخارزاده (۱۳۹۴)؛ مقوله بازدارندگی از تحصیل با نتایج پژوهش سیگل و همکاران (۲۰۱۶)؛ مقوله بحران روحی انگیزشی با نتایج پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. لذا متناسب با این یافته‌های پژوهشی برخی از پیشنهادها به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

استفاده از نفوذ قانون با توجه به وضعیت فرهنگی - اجتماعی و تفاوت‌های محیطی و ترمیم رویه حاکم بر نظام حقوقی ایران با هدف دقیق‌تر شدن نظام حقوقی از طریق اضافه نمودن موارد زیر به آن:

- ۱- تغییر و تعیین سن قانونی ازدواج
- ۲- تخصصی شدن تشخیص صلاحیت افراد برای ازدواج با مشارکت دستگاه‌هایی چون وزارت بهداشت، سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، نیروی انتظامی
- ۳- ممنوعیت مطلق ازدواج با دختری که به بلوغ جنسی نرسیده است.
- ۴- ممنوعیت فواصل غیرطبیعی سن زوجه و زوج و جرم انگاری آن.
- ۵- جرم انگاری ممانعت از تحصیل دختران متأهل در مدارس روزانه.
- ۶- ایجاد تکلیف قانونی برای گذراندن دوره‌های مهارت‌های زندگی در قالب مشاوره پیش از ازدواج و ارائه گواهی آن به دفاتر ثبت به‌عنوان یکی از شروط صدور اجازه ازدواج.

از آنجاکه در این مطالعه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی بر پدیده ازدواج زودهنگام دخیل است. لذا پیشنهادهای به شرح ذیل ارائه گردد.

- ۱- هر چند نقش قوانین و تصویب جرائم سنگین برای افرادی که در این پدیده



- دخیل هستند، راهکاری مناسب است؛ اما تا فرهنگ‌سازی نشود، قوانین نقش ممانعت‌کننده از ورود جرم و نقش پیشگیرانه را ندارند.
- ۲- برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده برای والدین از طریق آموزش و پرورش با محوریت انتخاب صحیح و ازدواج بهنگام و آگاه‌سازی والدین از مخاطرات ازدواج زودهنگام.
- ۳- افزایش سطح تحصیلات دختران باعث می‌شود، آگاهی دختران ارتقا یابد و این امر منجر به این می‌شود که حتی اگر دختران به دانشگاه نروند؛ اما باز انتخاب بهتری داشته باشند.
- ۴- آموزش و ترویج ازدواج بهنگام از طریق فیلم و محصولات فرهنگی صداوسیما.
- ۵- آموزش پیمان‌نامه حقوق کودک و تهیه بروشور حقوق کودک.
- ۶- اضافه نمودن فصل ازدواج به‌هنگام و انتخاب صحیح در درس مدیریت خانواده در مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش.
- از آنجاکه ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی یکی از شرایط مداخله‌گر در تسهیل ازدواج زودهنگام می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد:
- ۱- ضرورت ایجاد رشته‌های دانشگاهی مرتبط با نیازهای اجتماع محلی؛
  - ۲- توجه به سیاست‌گذارهایی با هدف گسترده‌سازی دامنه سیاست‌های اشتغال از طریق طرح‌های اشتغال‌زا، بالا بردن مهارت‌های شغلی و کارآفرینی و ارائه تسهیلات هدفمند برای کاهش بیکاری؛
- همچنین تغییر و بهبود سیاست‌های مساوات جنسیتی برای تضمین حمایت از قربانیان و کودکان و ضمانت وجود سیاست‌های اجرایی مناسب برای جلوگیری از ازدواج کودکان و ازدواج‌های اجباری در سیاست‌گذاری‌ها لازم است.

## فهرست منابع

- احمدی، کامیل (۱۴۰۰)، طنین سکوت؛ پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران، دانمارک: نشر آوای بوف
- افتخارزاده، سیده زهرا (۱۳۹۴)، «تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام»، فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۳، ۱۱۰-۱۵۵.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۹۸)، گزارش طرح ملی گفتگو در خانواده، پل دختر بهرامی، اردشیر (۱۳۹۷)، فرهنگ توسعه و خودکشی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ حسینی فر، مریم السادات؛ سیدپور آذر، سیدعلی (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی (مبانی، اصول و مفاهیم). تهران: دریای تنهایی
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۴)، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد ملی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- حسینی، سیدهدادی؛ رضاعلی، محسنی؛ فیروزجائیان، علی اصغر (۱۳۹۸)، تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان: مطالعه تجربی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره هشتم، شماره ۲: صص ۴۱۱-۴۳۲
- حیدری، حامد؛ کیمیایی، سیدعلی؛ خوبی نژاد غلام رضا؛ مشهدی، علی (۱۳۹۸)، «کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج زود هنگام: یک مطالعه کیفی نظام‌مند»، فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۷، شماره ۲: صص ۳۱۴-۳۲۳
- حیدری نژاد، سارا؛ نواح عبدالرضا (۱۳۹۷)، شناسایی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان شهر اهواز، فصلنامه زن و جامعه، ۹ دوره نهم، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۵۲.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۵)، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- سادات صفوی، حنانه؛ مینایی، ماه‌گل (۱۳۹۴) «تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل)»، فصلنامه پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم شماره اول، صص ۱۰۶-۸۷
- سالنامه آماری جمعیتی ۱۳۹۵ استان لرستان، اداره کل ثبت احوال استان لرستان
- سالنامه آماری جمعیتی ۱۳۹۹ استان لرستان، اداره کل ثبت احوال استان لرستان
- فرهمنده، مهناز؛ دانافر، فاطمه؛ پور ابراهیم آبادی، محبوبه (۱۳۹۹)، واکاوی تجارب

زناشویی کودک همسری: درهم آمیختگی عاطفی - فکری و بی قدرتی، دو فصلنامه پژوهش های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۷: صص ۱۴۵-۱۱۵. فلیک، اووه (۱۳۸۹). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی. گود، ویلیام (۱۳۸۲)، خانواده و جامعه، ترجمه ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر علمی. مقدادی، محمد مهدی؛ جوادیپور، مریم (۱۳۹۶)، تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره یازدهم، شماره ۴۰: ۳۱-۶۰.

مهدوی، محمدصادق؛ صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲)، بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، فصلنامه پژوهش زنان، دوره اول، شماره ۲، صص ۲۵ - ۶۵. میرحسینی، زهرا؛ ابراهیمی، مرضیه؛ پاکدل، پریسا (۱۴۰۰)، بررسی عوامل مؤثر بر قدرت زنان در خانواده، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفدهم، شماره ۶۸: ۵۳۹-۵۲۳. نیازی، محسن؛ شفاهی مقدم، الهام (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی زنان، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱: صص ۱۲۳-۱۴۷.

- Ahmadi, Komail (2021), Resonance of Silence; A comprehensive research on early marriage of children in Iran, Denmark: Avai Bov Publishing (in parsian).
- Auradkar, J.B. (2013), Child marriage in India: an overview, Research, publish in OALIB Journal.
- Bahrami, Ardeshir (2017), Culture of Development and Suicide, Tehran: Jihad University Press {in parsian}.
- Blood, Robert o. and Donald M. Wolfe. (1960). Wives: The dynamics of married living. New York: Free press.
- Burcu, E. Yildirim, F. Sirma, S. Sanıyaman, S.: (2015), Fate of the Flowers: A Qualitative Reserch on Early Marriage of Turkish Women. Bilig, 8, SPRING2015/ NUMBER 73: 63-98
- Dobvar, Simon (2010), Second Genus, translated by Qasim Sanavi, Tehran: Tos Publishing.
- Eftekhazadeh, Seyedeh Zahra (2014), Lived Experiences of Female Victims of Child Marriage, Social Work Research Quarterly, No. 3 (in parsian).
- Farhamand, Mahnaz; Danafar, Fatima; Pour Ebrahimabadi, Mahbobeh (2019), analysis of the marital experiences of child marriage: emotional-intellectual entanglement and powerlessness, two quarterly journals of contemporary sociological research, 9th year, number 17: 115-145 { in parsian }.

- Flick, Uwe (2008), *An introduction to qualitative research*, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing
- Giddens, Anthony (2013), *Sociology*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Scientific Publication
- Good, William (2002), *family and society*, Nasahi translation, Tehran: Book Translation and Publishing Company
- Heydari nejad, Sara; Navah Abdol Reza (2017), Identification of Factors Affecting Violence at Women in Ahvaz City, *Women and Society Quarterly*, 9 (4), pp. 133-152 { in parsian }
- Heydari, Hamed; Kimiaei, Seyed Ali; Khoinejad Gholam Reza; Mashhadi, Ali (2018), Discovering the Factors Affecting Divorce in Early Marriages: A Systematic Qualitative Study, *Behavioral Science Research Quarterly*, Volume 17, Number 2 { in parsian }.
- Hosseini, Seyed hadi; Reza Ali, Mohseni; Firouzjaian, Ali Asghar (2018), The Sociological Explanation of Violence against Women (An Experimental Study), *Social Studies and Research in Iran*, 8(2) { in parsian }.
- Javadi Yeganeh, Mohammad Reza (2014), National Survey of Iranian Values and Attitudes (Third Wave), National Projects Office of the Ministry of Farhtag and National Guidance, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication { in parsian }.
- Liversage, A. (2012) Gender, Conflict and Subordination Within the Household – Turkish Migrant Marriage and Divorce in Denmark, *Journal of Ethnic and Migration Studies* 38(7):1119-1136
- Lorestan province's 2015 demographic statistical yearbook, Lorestan province's general registry office { in parsian }.
- Lorestan province's 2019 demographic statistical yearbook, Lorestan province's general registry office { in parsian }.
- Mahdavi, Mohammad Sadegh; Sabouri Khosrowshahi, Habib (2002), examining the structure of power distribution in the family, *Women's Research Quarterly*, No. 2, pp. 25-65 { in parsian }.
- Mathur,s. Margaret E.G. And Malhotra,A.(2003). *Too young to wed: The lives, rights, and health of young married girls*, Washington, DC: International Center for Research on women(TCRW).
- Meghdad, Mohammad Mahdi; Javadpour, Maryam (2016), Impact of Early Marriage on Children's Sexual Health and Mechanisms of Deal with It, *Medical Law Quarterly*, 11 (40) { in parsian }.
- Niazi, Mohsen; Shafahi Moghadam, Elham (2013), Investigating factors affecting the rate of women's fatalism, *Society for Cultural Studies, Institute of Humanities and Cultural Studies*, No. 1 { in parsian }.
- Parsons,J.,J. Edmeades, A. Kes, S. Petroni, M. sexton, and Q.Wodon.(2015), *Economic Impacts of Child Marriage: A Review of the Literature. The Review of Faith & International Affairs*, 13(3), 12-22.
- Ritzer, George (2015), *Theory of Sociology*, translated by Hoshang Naibi, Tehran: Ney Publishing.
- Sadat Safavi, Hananeh; Minaei, Mahgol (2014), Lived Experiences of Teenage Girls as Wives: Case Study of Girls' Early Marriage in

AranvaBidgol , Women's Research Quarterly, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 6th year, number 1, pp. 106-8{ in parsian}.

Segal- Engelchin, D. Huss,E. Massry, N.(2016). The Experience of Early Marriage. Journal of Adolescent Research, 31(6), 725-749.

Sociological Association of Iran (2018), report of the national dialogue project in the family, Poldakhter.

Tanhaei, Hossein Abolhasan; Hosseini Far, Maryam Sadat; Seyedpour Azar, Seyed Ali (2018), Sociology (basics, principles and concepts). Tehran: Sea of Solitude{ in parsian}.

UNICEF.(2018), Early M arriage: A Harmful practice. A Sttitical Exploration. New York: Strategic Information section , Division of Policy and planning, United Nation Childern's Fund.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی